گزیده‌ای از گفت‌وگو با نوید ارجمند
عضو پیوسته انجمن پسته ایران

چالش‌های آینده صنعت پسته ایران



باقیمانده سموم، مایکوتوکسین‌ها- شامل افلاتوکسین و اُکراتوکسین- و احیاناً در مواردی فلزات سنگین چالش‌های بزرگ آینده صنعت پسته ایران خصوصاً برای بازارهای کیفی و حساسی مانند اتحادیه اروپا و ژاپن هستند. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۷ در حال پیگیری قوانین جدید و سختگیرانه‌ای است که در سال ۲۰۲۳ به اوج خود خواهندرسید. منطبق بودن با این قوانین و مسائل باقیمانده سموم، دغدغه‌ای است که هر روز افزایش خواهد یافت. روز به روز تعداد سمومی که طبق قوانین اتحادیه اروپا تحت کنترل و نظارت بیشتری می‌روند و تعداد سمومی که مصرفشان غیرقابل مجاز اعلام می‌شود در حال افزایش است. ضمن اینکه حد مجاز باقیمانده برای آن سمومی که استفاده‌شان قانونی است در حال کاهش یافتن است؛ به این معنا که شرایط صادرات پسته‌ای که احیاناً سموم شیمیایی برای کنترل آفاتش استفاده شده‌باشد، سختگیرانه‌تر می‌شود. اُکراتوکسین نیز نوعی سم مثل افلاتوکسین است که از قارچ‌های طبیعی تولید می‌شود. وجود این سم نیز قرار است به زودی قانون داشته‌باشد و احتمالاً در سال‌جاری برای اعمال حد مجاز آن، قانونی وضع خواهدشد. و اگر امسال این اتفاق نیفتد حداکثر تا سال ۲۰۲۲ حتماً اجرایی خواهدشد.

اجرایی کردن قوانین توسط اتحادیه اروپا در مورد مواد غذایی طبق قوانین خاص و مجزایی انجام می‌شود؛ ابتدا برای جمع‌آوری اطلاعات لازم جهت وضع قوانین جدید نمونه‌هایی به‌طور تصادفی انتخاب و سپس آزمایش می‌شوند. نمونه‌برداری‌ها در مورد باقیمانده سموم و اُکراتوکسین درحال انجام است و هم اکنون حداقل سه سال است که این کار در دست اقدام است.

به‌نظر من، این موضوع از این نظر مهم است که با افزایش آلودگی محصول به فلزات سنگین، باقیمانده سموم و اکراتوکسین، امکان اینکه قوانین دست و پا گیر بیشتری در این خصوص وضع شود، افزایش می‌یابد. امروز، حتی اگر مسئولین اتحادیه اروپا این قوانین را وضع نکنند، به‌دلیل حساسیتی که مصرف‌کنندگان پسته در اتحادیه اروپا دارند، شرکت‌های بازرگانی و خریداران پسته برای باقیمانده سموم سختگیری‌های خودشان را دارند. با وجود فشار افکار عمومی در جامعه اروپا باید مطمئن باشیم که تصمیم سیاست‌مداران آنها برای وضع قانون قطعی خواهد بود.

علاوه بر این، قوانین جدید در خصوص امنیت غذایی که توسط اتحادیه اروپا در حال وضع شدن هستند، بر مبنای مجموع ریسک آلاینده‌های مختلف (Cumulative Risk Assessment) که شامل باقیمانده سموم، مایکوتوکسین‌ها، فلزات سنگین و آلاینده های میکروبی هستند، خواهندبود. یعنی مجموع ریسک عوامل خطرزا به‌حساب خواهندآمد و به‌صورت تک و جداگانه نخواهدبود. در سال ۲۰۲۳ این قانون نهایی خواهدشد.

به هر حال، آن چیزی که اتحادیه اروپا به‌عنوان غذای سالم تعریف کرده، غذایی است که به‌صورت یکپارچه قابل ردیابی باشد؛ به این معنا که منشأ هر محصول صادراتی از مبدا باغ مشخص باشد و اگر محموله به اکراتوکسین، افلاتوکسین، باقیمانده سموم یا فلزات سنگین آلودگی داشته‌باشد، صادرکننده بتواند باغی که محصول از آن برداشت شده را رهگیری نماید.

مشکلی که در گذشته وجودداشته و فکر می‌کنم امروز نیز باغداران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، یکسان بودن قیمت پسته عاری از مایکوتوکسین‌ها و باقیمانده سموم نسبت به قیمت سایر پسته‌هایی است که این مشخصات را ندارند. این یک مسئله سیستمیک است و من فکر می‌کنم این مسئله در آینده نزدیک، حادتر نیز خواهدشد. بعضی از باغداران قصد داشتند مسائل مرتبط با کاهش افلاتوکسین را رعایت کنند، چون فکر می‌کردند صادرکنندگان پسته به مقاصد اروپا و ژاپن محصولشان را به قیمت خیلی بالاتری می‌خرند؛ اما وقتی که به بازار رجوع کردند و در اینباره پرسیدند از این کار منصرف شدند؛ چون تفاوت قیمتی قابل پرداخت در مقابل رعایت قواعد و قوانینی که اتحادیه اروپا برای ردیابی و رعایت مسائل امنیت غذایی وضع کرده، صرفه اقتصادی ندارد. مثلاً: تفاوت قیمت پسته‌ای که به چین یا هند صادر می‌شود با پسته‌ای که به بازار ژاپن و اتحادیه اروپا می‌رود، حدود سه، چهار درصد بوده‌است. به هرحال، این تفاوت قیمت از دید باغدار به اندازه کافی محسوس نیست که برایش صرف کند قوانین و قواعد مرتبط برای کاهش افلاتوکسین را رعایت کند.

طبق تجربه من، معمولاً افراد چه در بخش صادرات و چه در بخش تولید حرکتی را انجام نمی‌دهند تا زمانی که یک محدودیت جدی یا یک اُفت قیمت شدید و یا یک شرایط سخت اقتصادی را لمس کنند و آن گرفتاری در شرف وقوع باشد. در غیر این‌صورت هیچ قدمی برنمی‌دارند. به باور من، خیلی منطقی است که از همین امروز که فرصت داریم به این چالش‌ها فکر کنیم و در خصوص آنها تصمیم‌گیری شود. فعالان پسته کشور باید به این فکر باشند که قوانین و محدودیت‌ها سختگیرانه‌تر خواهندشد و متعاقباً هزینه‌ها بالاتر خواهندرفت. این چالش‌ها صادرکنندگان و تولیدکنندگان را درگیر می‌کنند. بنابراین، بهتر است که قواعد مربوطه از همین داخل ایران رعایت شود و تداوم صادرات مغز سبز و پسته آجیلی ایران به اروپا حفظ شود.

ما در آگاهی دادن رسالت و وظیفه داریم، اما فکر می‌کنم کسی تمایلی به حرکت پیشگیرانه ندارد و تاریخچه تصمیم‌گیری‌های ما عموماً به همین شکل بوده و در آینده نیز این موضوع را همین‌طور می‌بینم. ما اصولاً واکنشی هستیم و پرواکتیو نیستیم؛ مثلاً: در گذشته دلیل ایجاد کریدور سبز این بود که اتحادیه اروپا واردات پسته ایران به اروپا را به‌طور کامل ممنوع کرد. وقتی که این اتفاق افتاد آن‌وقت تنها عده‌ای به این فکر افتادند و چاره‌ای اندیشیدند. از دید من، بهتر است که به موضوعات این‌چنینی بیشتر توجه و دقت شود.